

« تاریخ انجمنهای ادبی اصفهان »

(انجمن دانشکده)

پس از چند سال فترت در سال ۱۳۳۴ قمری بنا به پیشنهاد و راهنمایی مرحوم سها که از معمرین شعرای زمان و از اساتید مسلم عهد خود بود انجمن شیدا کسه بعدها بدانشکده موسوم شد بریاست میرزا عباسخان دهکردی متخلص بشیدا (متوفی ۱۳۶۹ ق برابر ۱۳۲۸ شمسی) ۱ تأسیس گردید و قریب به چهارده سال عصرهای جمعه در منزل شخصی آن مرحوم تشکیل میشد. این انجمن یکی از باشکوهترین و طولانیترین انجمنهای ادبی بود که شیدا از روی کمال صدق و باشوقی و افر به حفظ آن می کوشید و از هیچگونه کمک مادی و معنوی دریغ نداشت. در این انجمن قریب یکصد تن شاعر و ادیب حضور می یافتند اما آنها همه در بیکردیف نبودند بلکه عده کهن سال و از اساتید انجمن بشمار میرفتند و بعضی دیگر گویند گانی بودند که در سنین شباب و طبعاً جز و نوپردازان محسوب میشدند. در میان آن جمع این چند تن نامبردار بودند: ملک الادبا - میرزا محمد سها - میرزا شکرالله منعم (متوفی ۱۳۶۰) میرزا فتح الله خان جلالی (متوفی ۱۳۳۶) مصطفی -

۱ - مرحوم شیدا علاوه بر شاعری از خوشنویسان نستعلیق بود و بر حقیر سمت استادی داشت بدین شرح که بنا بتوصیه عم مرحوم غمگین عصرهای جمعه در همان تالاری که انجمن تشکیل میشد در حضرتش مشق خط میکردم و پس از فراغت شعرای عضو انجمن بتدریج حضور می یافتند و چون از همان اوان بشعر و شاعری علاقه داشتم بعنوان مستمع آزاد در جلسات شرکت می جستم شیدا در سال ۱۳۶۹ برابر ۱۳۲۸ شمسی وفات یافت و حقیر قطعه دررثای او ساختم که ماده تاریخش این است:

ز تاب جلوه معشوق داد دل شیدا - ۱۳۲۸

نوشت خامه یکتا ز بهر تاریخش



ردیف اول از راست به چپ - نفر دوم ثمر - چهارم میرسید عبدالله رعنا - ششم غمگین - هفتم مؤمن زاده - نهم - سرخوش
 ردیف دوم - نفر ایستاده مؤمن زاده متصدی مجله دانشکده - دوم خاموش - سوم سینا
 چهارم سودائی - پنجم نقاشی - ششم منعم - هفتم شیدا - هشتم بزمی - نهم آتش - دهم
 آقا محمود فرزند شیدا .
 ردیف سوم - اول فایض - دوم محمد علی نقاش - پنجم خیام - ششم ساکت - هفتم گلزار
 هشتم انصاری - نهم فنا .
 ردیف آخر - سوم برادر مؤمن زاده - چهارم صرام - پنجم مصور الملکی - ششم صنیر
 هفتم نداف - هشتم ونهم فرزندان شیدا . بقیه اغلب شاعر نیستند و شناخته نشدند .

قلیخان سینا ۱ حاج محمد کاظم غمگین (متوفی ۱۳۵۵) میرزا حسین خان ثمر (متوفی ۱۳۴۴)
 میرزا احسن آتش (متوفی ۱۳۴۹) میرزا عبدالوهاب خان گلشن ۲ میرزا عبدالوهاب خان -

۱- مرحوم سینا بعد از سه اشعر شعرای آن زمان در انجمن شیدا بود و در قصیده و غزل هر دو دست داشت اما مع الاسف در اثر افراط بمی گساری در پایان عمر بچگونگی مبتلا شد و یاد دارم روزی در حمام دیوان خود را همراه آورده بود که باب بشوید ناظران که متوجه حرکات او بودند وی را مانع شدند . اما بالاخره در خلال سال ۱۳۵۳ هجری قمری ناپدید شد و اثری از او بجای نماند .

۲- میرزا عبدالوهاب خان گلشن ایران پور مدیر روزنامه اختر مسعود و ناظم انوار سهیلی بود و در آخر عمر از کارمندان اداره ثبت اصفهان و با حقوق ناچیزی با کمال مناعت طبع زندگی میکرد وی در سال ۱۳۵۶ هجری قمری بدورود حیات گفت . قطعه در تاریخ فوت او سروده ام که ماده تاریخ آن اینست :

(در داکه گل حیات گلشن پژمرد) ۱۲۵۳

گفت از پی تاریخ و فاتش یکتا

مستشار دفتر متخلص بمشرد (متوفی ۱۳۴۳) که در سرودن ماده تاریخ بدطولائی داشت. میرزا حسن ساکت (متوفی ۱۳۵۷)

از جمله شعرای دیگر که در آن ایام در انجمن شیدا شرکت کرده و بعضی از آنها در سنین شباب بودند بترتیب حروف نهجی عبارتند از مرحوم شیخ محمد باقر نجفی^۱ الفت متوفی ۱۳۸۴ میرزا سید علیخان نور بخش (آزاد) میرزا حسینخان (اخگر) میرزا موسی انصاری (متوفی ۱۳۶۰) میرزاهاشم (امید) سید جمال الدین (آرام) میرزا عبدالکریم صیری (بصیر) سید عبدالرسول شجره (بزمی) متوفی ۱۳۵۵ میرزا ربیع خان انصاری (بهار) میرزا اسمعیل خان ثاقب^۲ فرزند تاج الشعراء شهاب (متوفی ۱۳۶۰) میرزا احمد روغنی (جنت) حاج آقا حسام الدین دولت آبادی (حسام) میرزا غلامعلی نداد (حیرت) محمدعلی خیام که چندیست بحالت جنون بسر میبرد میرزا زین العابدین (خاموش) محمدجعفر صحاف (رجائی) سید عبدالله (رعنا) میرزاهاشم خان (روشن) میرزا عبدالمحمد و ناظری (سرخوش) استاد جلال الدین همائی (سنا) ملا عبدالکریم دستجردی (سودائی) متوفی ۱۳۵۲ میرزا سید عبدالله (شیدا) آقا محمد حسین صغیر - نقاشباشی سمیرمی (صدقی) میرزا علیرضا فانونی (صرام)^۳ محمد اسمعیل (ضعیف) سید عبدالغنی (غنی) آقا میرزا عباس شمس آبادی (فایض) که از معاشران نزدیک غمگین بود - ملاعلی (فنا) میرزا عبدالحسین خوشنویس (قدسی) متوفی ۱۳۶۶ میرزا حسین خان سخنیار (سرور) آقا رجبعلی قلمزن (گلزار) متوفی ۱۳۶۶ حاجی میرزا حسین مصورالملکی (مصور) که از اساتید میناتور اصفهان و از مفاخر هنری ایران هستند. میرزا حسن بهنیا (متین) که ابتدا مهین تخلص میکرد. آقا بهاء الدین نجفی

۱- مرحوم الفت فرزند عالم جلیل شیخ محمد تقی نجفی و از فضلاء عهد خویش بودی در روز ۲۶ ربیع الاول ۱۳۸۴ برابر ۱۴/۵/۱۳۴۳ در سن ۸۳ سالگی بدورد زندگی گفت. مجموعه ای بنام یادنامه الفت بمناسبت چهلمین روز وفات او در اصفهان منتشر شد این مجموعه متضمن اشعار است که در رثای فقید سعید سروده شده است. حقیر نیز چکامه سرودم که ماده تاریخش اینست:

شد چو باقر ز میان یکتا گفت
رشته الفت احباب برید ۱۳۴۳

و استاد همایی نیز چنین سروده اند:

باقر چو شد ز جمع برون گفتم
ازما برید رشته الفت (آه) ۱۳۸۴

این دو بیت از لحاظ مضمون نزدیک بهم و از جهت تعمیم عین یکدیگر است.

۲- فوت ثاقب در ۱۳۲۰ خورشیدی برابر ۱۳۶۰ قمری و ماده تاریخش اینست:

سرفرود آورد جبریل و بگفت
کرده اسمعیل جان قربان دوست ۱۳۲۰

۳- در حین تنظیم این سطور خبر فوت صرام را شنیدم خدایش رحمت کناد.

مقتون) میرزا حسین خان نظام هما یون (نظمی) میرزا طاهر (نزهت) میرزا احمد نیلفروش (وصفی) نجم الشریعه نوری (نجم) که معدودی از آنان در قید حیات هستند و بیشتر آنها روی در نقاب خاك کشیده اند. اما اینها که نام بردیم هم از جهت سن و هم از لحاظ وزنه شاعری هم سنگ نبودند برخی کهنه کار و عمده ای جزو مبتدیان محسوب میشوند مثلاً بزمی و ثاقب و انصاری بر امثال میرزا ربیع خان بهار و محمد حسین صغیر و آقار جعلی گلزار تفوق و برتری داشتند و همچنین مرحوم الفت و استاد همائی از لحاظ مراتب علمی بر سایر همکاران مقدم بودند و باز مرحوم صرام و آقای متین جزو مبتدیان محسوب میشدند.

از یاد کارهای برجسته انجمن شیدا انتشار مجله دانشکده است که در همین سال تأسیس گردید و اولین شماره آن بتاریخ دلو ۱۳۰۳ مصادف با رجب المرجب ۱۳۴۳ انتشار یافت این مجله اخلاقی - علمی و ادبی متضمن اشعار اعضاء انجمن و حاوی مباحث ادبی و منظومه های اخلاقی بود و مقالات آن اکثر بقلم خود شیدا که مدیر مجله بود نگارش می یافت و در اواسط هر برج با چاپ سنگی بخط نستعلیق ریز در مطبعه فرهنگ طبع می رسید.

از آثار دیگر انجمن دانشکده مجموعه ایست بنام محرم نامه که در سال ۱۳۴۸ قمری در مطبعه گلپهار با چاپ سنگی بخط سید حسن البدری اصفهانی طبع شد. این کتاب حاوی اشعار ۱۲ تن از شعراي انجمن بود که در مناقب خاص آل عبا و مصائب شهدای کربلا سروده شده و مجموعاً به حدود سه هزار و پانصد بیت میرسد و حاج عبدالمحمود سرخوش که یکی از اعضاء انجمن بود تاریخ طبع آنرا اینطور سروده است :

شاعران را در محرم قاعده است	مرثیت گویند کاورا فایده است
خاصه اندر اصفهان دانشوران	که سخنشان آسمانی مائده است
با صفا و بینش و کامل عیار	همچو زراز بوته بیرون آمده است
کلك سرخوش بهر تاریخش نوشت	(این محرم نامه از آن دانشکده است)

۱۳۴۸ ق هجری

در انجمن شیدا رسم بر این بود که همه هفته غزل از یکی از اساتید متقدم همچون سعدی و حافظ و گاهی از دیگران طرح میکردند و معتقد بودند که غزل طرحی

بمنزله سرمشقی است که بنوآموزان دهند و نتیجه آنست که هم مبتدیان بر موز شعر و ادب آشنا میشوند و هم برای کهنه کاران خالی از فایده نیست و آنان را بر قابت و ادار میکند. گاهی اتفاق می افتاد که از شهرستانهای دیگر و یا تهران غزلی میرسید و مطرح انجمن قرار میگرفت. از جمله بیاد دارم که غزلی از وثوق الدوله با این مطلع:

ای برقیله دل و دین تر کناز کن دست جفا بخرم دلها دراز کن
بمسابقه گذاشته بودند. شعرای انجمن شیدا همگی کم و بیش با استقبال آن شتافتند. از اشعاری که در این زمینه سروده شده بود و قرائت کردید این ابیات بخاطر ممانده است. از مرحوم آتش:

یارم نهاد لب بلب غیر همچو جام من چون قرابه کردن حسرت دراز کن
از مرحوم غمگین:

دی تا سحر بیزم بقتوای پیر ما محراب جام بود و صراحی نماز کن
از مرحوم احمد جنت:

بالله کم است هر چه کند ناز زانکه هست يك شهر ناز کش پی يك طفل ناز کن
گاه غزلی که طرح میشد يك مصرع یا يك بیت بین شعراء توارز میشد از جمله اینغزل:

شب شمع یکطرف رخ جانانه یکطرف من یکطرف در آتش و پروانه یکطرف
يك بیت تمام با جزئی اختلاف بین مرحوم آتش و غمگین توارز شده بود آتش گفته بود:

زلفت زدست رفت دل از سینه ام گریخت زنجیر یکطرف شد و دیوانه یکطرف
مرحوم غمگین اینطور سروده بود:

زلفش زدست دادم دل از برم گریخت زنجیر یکطرف شد و دیوانه یکطرف
در انجمن شیدا این رسم نیز جاری بود که در اعیاد مذهبی شعرا قصاید مدحیه بسازند و همچنین در دو ماهه محرم و صفر بمناسبت ایام سوگواری مرثیت سرائی کنند و محرم نامه که زکر آن گذشت حاوی اشعاری بود که بهمین مناسبت سروده بودند و

بصورت کتابی منتشر ساختند .

انجمن ادبی فرهمند

در سال ۱۳۰۵ شمسی که مقارن با یازدهمین سال تأسیس انجمن دانشکده بود مرحوم عبدالحسین خان ادیب فرهمند انجمنی دایر کرد که عصر های جمعه در منزل شخصی او تشکیل مییافت . مرحوم ادیب با آنکه در آن زمان هنوز سی سال نداشت ولی دارای ذوقی لطیف و طبعی حساس بود و از صحبت شعرا و معاشرت با اهل ادب لذت میبرد و چون مردی متعین و ثروتمند بشمار میرفت در تشکیل انجمن و برقراری آن سعی وافیه و جهد بلیغ بکار میبرد .

انجمن ادیب بعلمت آنکه انجمن دانشکده هنوز دایر بود ابتدا چندان رونقی نداشت و فقط چند تن در آن شرکت میکردند که مرحوم میرزا عبدالوهاب خان گلشن ایران پور از آن جمله بود ولی اندک اندک برونق خود افزود تا بعدی که پس از تعطیل انجمن دانشکده بصورت یکی از محافل بزرگ ادبی اصفهان درآمد . اوایل سال ۱۳۱۰ شمسی که افتخار عضویت این انجمن نصیب نگارنده شد بیش از پنجاه تن از شعراء و ارباب ذوق در جلسات شرکت میکردند و اکثر اعضای برجسته انجمن دانشکده بودند . مرحوم فرهمند چون قبل از تأسیس انجمن جزو جریده نگاران بود و سالها مجله تحفه الادبا و روزنامه گیتی نما و مداین را منتشر میساخت باالطبع با ارباب قلم و اصحاب دانش سروکار داشت و بحکم این سوابق در ایامی هم که انجمن را اداره میکرد با فضلا و شرای ولایات دیگر روابط ادبی برقرار نمود و غالباً دانشمندانی که با اصفهان مسافرت مینمودند در جلسات انجمن حضور مییافتند .

مرحوم ادیب برای نشر آثار گویندگان انجمن خود يك چند سردبیری روزنامه اختر مسعود را که قبلا بمدبیری گلشن ایران پور انتشار مییافت اختیار نمود و اشعار و مقالات اعضاء انجمن در نامه مزبور درج میگردید . انجمن ادیب فریب هشت سال بانهایت شور و گرمی دوام داشت و پس از فوت مرحوم فرهمند یعنی در سال ۱۳۵۳ هجری قمری منحل شد .

دوره فترت

پس از فوت ادیب فرهمند و تعطیل شدن انجمن اوتنی چند ازارباب ذوق در مقام برآمدند که مجدداً انجمنی دایر کنند و حتی چند جلسه سیار از جمله در منزل مرحوم حاج میرزا حسن خان انصاری (متوفی ۱۳۷۶ ق) تشکیل شد ولی سرانجام این مجاهدت بی نتیجه ماند تا آنکه باز مجمعی در منزل مرحوم شیدا برپا شد و بعضی از همکاران نزدیک او در آن مجمع شرکت میجستند لکن بعات کسالت فقید سعید و عوامل دیگر بیش از یکسال دوام نیافت و دوره فترت آغاز گردید - ناگفته نگذاریم که انتشار مجله دانشکده سردبیری آقای محمد سپاهانی متخلص بشیوا از آثار این دوره بود که فقط چند شماره آن منتشر شد و با انحلال انجمن دیگر انتشار نیافت .

اوایل سال ۱۳۲۳ شمسی با اهتمام چند نفر از دوستاران ادب مجمعی در محل اتحادیه پیشه‌وران واقع در چهارباغ اصفهان برپاست و سرپرستی فقید دانشمند شیدا تأسیس شد که هفته‌ای یک بار گویا عصرهای جمعه تشکیل میشد و تا اواخر آن سال دوام داشت . در این انجمن بود که نگارنده با مرحوم سید جعفر خا کشیر که از بذله‌گویان دهل سرایان این عصر بود و در تضمین شعر اساتید متقدم بصورت هزل ید طولائی داشت آشنا شدم . این شاعر بذله‌گو برخلاف آنچه از آثارش هویدا است بقدری محبوب و خجول بود که از خواندن شعر جدم امتناع میورزید تا بهزل چه رسد - بخاطر دارم که روزی در آن انجمن غزلی از سعدی با این مطلع :

نه طریق دوستان است و نه شرط مهربانی
که بدوستان یکدل سرودست برفشانی

طرح شده بود مرحوم خا کشیر با جهدی بلیغ شعری گفته بود که زیاد از ادب دور نباشد آن شعر این بود :

سحر آدمم بکویت که به بینمت نهانی
ارنی نگفته گفتمی دو هزار ان ترانی

با آنکه بیت مزبور خالی از لفظ مستهجن بود معذک خود حاضر نشد بخواند و دیگری راوی او قرار گرفت . درباره خا کشیر باز هم گفتگو خواهیم کرد - او در سال ۱۳۷۵ هجری فوت کرد .

ناتمام